

هویت ایرانی و اسلامی جوانان امروز

هویت به مجموعه مشخصات هر ملت یا قومی گفته می‌شود که بستگی به عواملی مانند پیشینه، تاریخ، دین، فرهنگ و آداب و رسوم آن مردم دارد.

استعمارگران در اعصار مختلف و در تلاش برای سیطره بر هر ملتی ابتدا سعی در تضعیف آنها داشته‌اند تا با مقاومت کمتری مواجه شوند و تسلط کم هزینه‌تری پیش رو داشته باشند. در این میان اهداف اقتصادی نیز بسیار مهم هستند. به عنوان مثال وقتی بخواهند از فروش پوشاک تولید کارخانجات خود در کشور هدف مطمئن شوند، ابتدا هویت پوششی آن مردم را زیر سؤال می‌برند تا با تغییر آن، فرصت ارائه مدهای مورد نظر خود را پیدا کنند و مردم را به مصرف این محصولات ترغیب و تشویق کنند.

در مورد هویت پوششی ملت‌های مختلف جهان، تغییر و تحول ملموس و بزرگی رخ داده است که می‌توان به اقوامی مثل ژاپن، هند، چین، ایران و حتی اروپایی‌ها هم اشاره کرد. در حالی که این مردم برای قرن‌های متمادی از این هویت خویش دفاع و آن را حفظ کرده بودند. بعضی افراد بر این باورند که مسأله پوشش برای بانوان ما مربوط به پس از اسلام است که این تصور اشتباه است. کلمه چادر واژه‌ای پارسی و به معنای مسطور کننده و پوشش دهنده است و اساساً در زبان عربی حرف چ وجود ندارد. ورود اسلام به ایران از نظر پوشش زنان، تغییر چندانی ایجاد نکرد و این سنت و باوری نشأت گرفته از فرهنگ و آئین راستین و بر حق ما ایرانی‌ها در طی هزاران سال بوده است. بر سر فرهنگ و هویت پوششی زنان ما در طی قرن اخیر چه آمد؟ این تغییر برنامه‌ریزی شده، سال به سال و ریز ریز اتفاق افتاد. به نحوی که ما نفهمیدیم کی چنین فاصله زیادی از آن فرهنگ و هویتمان گرفتیم و تنها وقتی متوجه آن می‌شویم که مثلاً عکس‌های مربوط بیست یا سی سال قبل را می‌بینیم و با امروز مقایسه می‌کنیم.

اساسی‌ترین رکن هر جامعه خانواده‌ها هستند، جایی که افراد به دنیا می‌آیند، آموزش می‌بینند و تربیت می‌شوند. و مهمترین نقش در خانواده را مادر داراست. پس اگر کسی قصد تخریب خانواده را داشته باشد، به دنبال تخریب نقش و جایگاه مادر خواهد بود. یعنی باید دختران را از پذیرش مسئولیت مادر شدن ترساند. در غالب نظریه‌های جنبش‌های فمینیستی بیان می‌شود که چه دلیلی دارد زن زحمات مادر شدن را تحمل کند و باید به فکر خودش باشد. و یا او را از ازدواج منع می‌کنند که چرا خود را با ازدواج محدود کند و چرا اختیار خود را به دیگری بسپارد و زحمات کار منزل و بچه‌داری را بپذیرد. و در جواب نیاز محبت، حمایت، امنیت و حتی نیازهای جنسی او، راه‌های غیراخلاقی، غیردینی و آسیب‌زایی مثل روابط خیابانی و پارک و مهمانی و فضای مجازی را به او توصیه می‌کنند. وقتی که باید به طور صحیح و منطقی زیبایی خود را به همسرش ارائه کند و از طرف او تحسین شود مجبور می‌شود خود را در خیابان عرضه کند و منتظر توجه و تحسین افراد غریبه باشد که نتیجه پیمودن این مسیر دلسردی مردان از فضای خانواده و همسر خود نیز خواهد بود.

بدین ترتیب و با تخریب خانواده، نقش تربیتی و اثر آموزشی خانواده بر خودمرد تضعیف خواهد شد و به جای خانواده این رسانه‌ها هستند که او را شکل می‌دهند؛ تلویزیون، لب‌تاپ، تبلت، گوشی‌های هوشمند و کامپیوترها همه و همه در خدمت صاحبان رسانه‌اند تا آنچه را که آنها می‌خواهند به عنوان سبک زندگی مطیع و مصرف‌کننده به مردم القا کنند. هویت

و دین و آیین و سنت‌ها را بزایند و فرهنگ خود را جایگزین کنند. فرهنگ رقابت بر سر مصرف، کسب پول از هر راه درست و یا نادرست ممکن و خرج کردن آن برای رفاه و لذت بیشتر، فرهنگی که در آن دفاع از مظلوم، کمک به هم‌نوع و تعاریفی مثل انفاق و ایثار و خمس و ذکات و صدقه مفهومی ندارد. بخش مهم دیگری از هویت ایرانی، اسلامی‌مان مربوط به تاریخ و پیشینه درخشان ملت‌مان می‌باشد. وقتی به دوران شکوهمند هخامنشی می‌نگریم، حس افتخار به ما دست می‌دهد. از آن جهت که در زمانی که اکثر اقوام جهان بت‌پرست بوده‌اند، ما یکتاپرست بوده‌ایم و وقتی خشونت و وحشی‌گری مرسوم بود، کوروش با احترام و رأفت با مردمان مغلوب برخورد می‌کرده، برای ضربه

زدن به هویت‌مان و زدودن حس افتخارمان، فیلمی مثل سیصد را می‌سازند که تمام آن سیاهی و توحش و عقب‌ماندگی را به تصویر می‌کشد و یا وقتی به انتخاب اسلام به عنوان آخرین و متعالی‌ترین دین خدا بر خود می‌بالیم، برای لطمه زدن به هویت‌مان انواع توهین‌ها به پیامبر(ص) و قرآن را با پوشش رسانه‌ای گسترده برایمان تدارک می‌بینند.

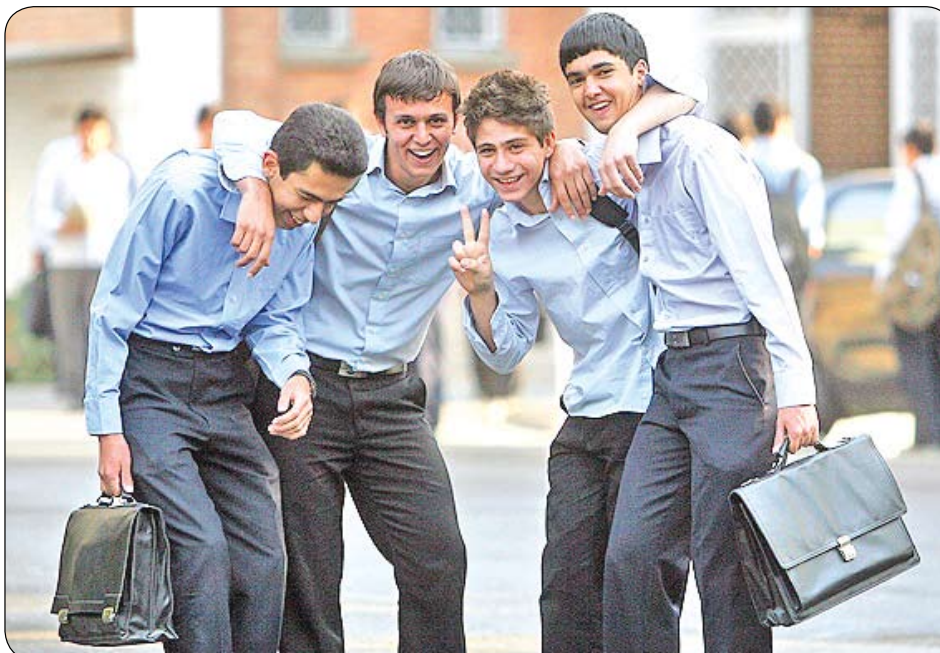
و یا انقلاب تاریخی و شکوهمندمان را بازگشت به عقب و اشتباه معرفی می‌کنند و پیروزی غرورآفرین رزمندگان در جنگی نابرابر و هشت ساله را نه ناشی از فداکاری و ایمان غیورمندانمان، بلکه نتیجه انبارهای پر از سلاح آمریکایی خریداری شده در زمان شاه و یا توسعه‌طلبی و... ذکر می‌کنند. چنانچه ذکر شد، هویت هر ملت از عوامل گوناگونی متشکل است که قسمت مهمی از آن را وجود مفاخر علمی، ادبی، هنری و ورزشی تشکیل می‌دهد که برای تخریب و تصاحب آنان نیز بیکار ننشسته‌اند، برای تصاحب مولانا ترکیه دندان تیز می‌کند و یا ابوعلی سینا را دانشمندی اروپایی معرفی می‌کنند و دیگر اقدامات مانند آن که زیاد است و یا هنگامی که سعی دارند خلیج همیشه پارس را که هزاران سال بدین نام بوده با پرداخت مبالغ هنگفت به نام جعلی دیگری بشناسانند و... که همه و همه تلاش دیگری برای خدشه وارد کردن به هویت‌مان است. اگر هویت فردی تخریب شود، تغییر دادن و بازنویسی آن فرد کار ساده‌ای خواهد شد. زیبایی و ارزش فرد را در جسم او خلاصه می‌کنند، تا دختر و پسر ما مشتری ثابت کلینیک‌های زیبایی بشوند و همواره به دنبال بدنسازی باشند نه برای سلامتی بلکه برای به دست آوردن مؤلفه‌های مدرن ارزشمند بودن و برای دیده شدن.

وقتی بتوانند یک ایرانی را از هویتش جدا کنند، می‌توانند به او بقبولانند که تو آن پاکزاده حق جو که پیرو آئین پیامبرانی چون زرتشت، مانی، دانیال و برترین آنان محمد(ص) و امامان بعد از او بوده و در طول تاریخ برجسته‌ترین مفاخر علم و هنر و ادب و دین‌شناسی را داشته و همچون سلمان فارسی ای را داشته که میراث‌دار امیدبخش‌ترین حدیث پیامبر بوده است، نیستی. بلکه مصرف‌کننده‌ای بی‌مقداری که باید به سبکی که ما می‌گوئیم زندگی کنی، آنچه که ما می‌گوئیم بپوشی، آن طور که ما می‌گوئیم فکر کنی، کاری به ظلم و بی‌عدالتی نداشته باشی و برای ما کار کنی تا به اندازه خدمت از ما که ارباب هستیم اجرتی برای زنده ماندن دریافت کنی.

جوان امروزی که از هویت خود بیگانه شده باشد، به هر دری می‌زند تا طبق فرهنگ و سبک زندگی غربی رفتار کند و در صورت امکان از کشور برود. به این امید که از زیر بار این همه توهین و تخریب هویت خویش رها شود و به دامن فرهنگ بی‌هویت مدرن غربی پناه ببرد. چنین فردی دیگر دلیلی برای ایستادگی و دفاع از ارزش‌ها، سنت و آئین و فرهنگ خویش نمی‌بیند و سر تسلیم فرود می‌آورد. انسان آزاده اما هجمه به هویت خویش را بر نمی‌تابد و قیام می‌کند در تاریخ نهضت‌های صدساله رئیس‌علی دلواری، میرزا کوچک‌خان جنگلی و ستارخان نمونه‌هایی از افرادی هستند که نپذیرفتند زیر سلطه اربابان خود خوانده بروند و در دفاع از هویت ایرانی اسلامی خود در برابر انگلیس و روس و دیگر مستکبران قیام کردند. و انقلاب به رهبری امام جلوه دیگری از این بیداری و دفاع غیرتمند ۸ساله نمونه دیگری از این حماسه مردان مرد این سرزمین.

در جبهه حفظ هویت‌مان باید هوشیار و بیدار باشیم و سنگر به سنگر برای حفظ و پاسداری از آن بجنگیم، چون غنی‌ترین و پربرترین تاریخ و فرهنگ و هویت متعلق به ایران اسلامی است، و این گزافه نیست. به هر کجای تاریخ ایران که سرک بکشیم شخصیت، جریان و یا قیامی برای افتخار به هویت‌مان می‌درخشد.

اگر جوان ما هویت خویش را آگاهانه درک کند چنان محکوم و استوار خواهد بود که هیچ طوفانی تکانش نخواهد داد، و اگر از هویت خود بیگانه شد چون برگ خشکیده‌ای با هر باد به سوئی می‌رود. و یا شاید گوهری را با مشتی ارزن عوض کند. برای همه لازم است که هویت خویش را بشناسیم، باور کنیم و به آن افتخار کنیم تا از گزند فتنه‌ها و طمع‌ورزی‌ها در امان بمانیم.



در جبهه حفظ هویت‌مان باید هوشیار و بیدار باشیم و سنگر به سنگر برای حفظ و پاسداری از آن بجنگیم، چون غنی‌ترین و پربرترین تاریخ و فرهنگ و هویت متعلق به ایران اسلامی است و این گزافه نیست